

درباره نژادپرستی ایرانیان

گفتگو دویچه وله با سعید پیوندی و مهرداد درویش پور

رفتار برخی از ایرانیان با مهاجران افغان و یا سر دادن شعارهای ضد عرب که پس از حادثه فرودگاه جده و یا پس از مسابقات ورزشی در فضای حقیقی و مجازی دست به دست میشوند، آیا بر نژادپرست بودن ایرانیان دلالت دارند؟

ایرانیان؛ نژادپرست، ناسیونالیست، بیگانه‌ستیز یا هیچ‌کدام؟

سیل نوشته‌های خشم‌آلود کاربران شبکه‌های اجتماعی پس از واقعه فرودگاه جده (آزار جنسی دو نوجوان ایرانی) در بیشتر موارد نه متوجه آن دو پلیس خاطی بلکه متوجه کل اعراب بود. در برخی از تجمعات شهرها نیز شعار "مرگ بر اعراب" شنیده می‌شد. گویا نفرتی تاریخی از پس این واقعه دوباره سر بر آورده بود.

دست نوشته‌های کارگران در تظاهرات روز جهانی کارگر، نمونه دیگری از نفرت نسبت به "غریبه" در جامعه ایران بود. البته تنها نوشتن شعار "کارفرما حیا کن، افغانی رو رها کن" مصداق این "غریب‌گز" بودن نیست، پیش از آن نیز، در شهرهای مختلف تابلوهایی در اماکن عمومی نصب شده بود که با جمله "ورود افغانی ممنوع" این "غریب‌گز" بودن را فریاد می‌زد.

اما آیا اینها تنها رفتارهایی خارج‌ستیزانه یا بیگانه‌گریز هستند؟ یا می‌توان آن‌ها را مصداق نژادپرستی دانست؟ آیا ایرانیان، ملتی نژادپرستند؟

پاسخ سعید پیوندی، جامعه‌شناس مقیم پاریس به این پرسش منفی است. او در گفت‌وگو با دویچه‌وله تاکید می‌کند که با دقت و وسواس علمی نمی‌توان این واکنش‌ها را نژادپرستانه دانست، به عنوان مثال رفتارهای ایرانیان در واکنش به واقعه فرودگاه جده به نظر او می‌تواند مصداق عرب‌ستیزی یا تنفر از اعراب باشد، اما مصداق نژادپرستی نیست.

آقای پیوندی می‌گوید: «نژادپرست بودن مستلزم این است که ما یک تئوری نژادی داشته باشیم که در آن یک نژاد برتر و متفاوت و متمایز از یک نژاد دیگر تلقی و برداشت شود و بعد نتایج عملیاش در

ذهنیت یا در عمل اجتماعی افراد بازتاب پیدا کند. بنابراین اطلاق نژادپرستی به این موارد به نظر من چندان دقیق نیست، هرچند که این برخوردها می‌تواند شکل نژادپرستانه داشته باشد، اما خود نژادپرستی نیست.»

او به عنوان مثال می‌گوید کسی را که یک بار دروغ گفته نمی‌توان دروغگو دانست و به همین مصداق، داشتن رفتار نژاد پرستانه با اینکه یک ملت را نژادپرست بدانیم متفاوت است و این واژه بسیار سنگینی است که باید با احتیاط به کار برده شود.

در مورد برخورد با افغان‌ها نیز این جامعه‌شناس معتقد است اصطلاح نژادپرستی را نمی‌توان اطلاق کرد چرا که اصولاً نژاد افغان‌ها با ایرانی‌ها متفاوت نیست و این رفتارها بیشتر مصداق خارجی‌ستیزی یا افغان‌ستیزی هستند.

مهرداد درویش‌پور، جامعه‌شناس مقیم استکهلم اما نظر دیگری دارد. او رفتار ایرانیان به خصوص با افغان‌ها را مصداق نژادپرستی می‌داند، چرا که اصولاً معتقد است بیگانه‌ستیزی یکی از اشکال نوین نژاد پرستی است.

او در گفت‌وگو با دویچه‌وله می‌گوید: «قرار نیست نژادپرستی حتماً مبتنی بر بهرسمیت شناختن یا تاکید بر تفاوت‌های بیولوژیک باشد و یا بگویند مثلاً فلان گروه نژاد بهتر و هوشمندتر از آن گروه دیگریست. امروز در کل جهان غرب هم شاهد این هستیم که نژادپرستی نوین بیشتر یا بر تفاوت‌های فرهنگی تاکید میکند یا بر بیگانه‌ستیزی. یعنی اینها بخشی از گفتمان جدید نژادپرستیست. به این معنی رفتار با مهاجرین یکی از معیارهای میزان تمایلات نژادپرستی در یک کشور است. در جامعه ایران رفتار با مهاجران افغان به شدت تحقیرآمیز است و یکی از کم‌تساهلترین نمونه رفتار با گروه‌های مهاجر می‌توانم بگویم در کل دنیا یا در بسیاری از کشورهای دنیاست.»

نفرت از اعراب یا نژاد پرستی؟

سابقه تاریخی ایرانیان با اعراب، سابقه صلح‌آمیز و دوستانه‌ای نیست؛ از زمان حمله اعراب به ایران در صدر اسلام تا جنگ ایران و عراق. سعید پیوندی با اشاره به این سابقه می‌گوید: «ما در مورد اعراب دارای یک وجدان شوربخت تاریخی هستیم. برای این‌که حداقل بخشی از گروه‌های اجتماعی و بخشی از روشنفکران و نخبگان ما، آنها

را عامل بدبختیهای ما میدانند، چه بهخاطر اسلام، چه بهخاطر جمهوری اسلامی، چه بهخاطر حمله عراق به ایران. بهخاطر همین هم در واقع این وجدان شوربخت است که به این صورت منفی خودش را نشان میدهد و تظاهر بیرونیاش به این شکل دیده میشود.»

این جامعه‌شناس به روشنفکران دوران مشروطه اشاره میکند که در جستجوی یک هویت تازه برای ایرانیان، بر اختلاف آنها با اعراب پای فشرده‌اند. این رویه بعدها از سوی نویسندگان وشعرای موسوم به «محفل برلین» پی گرفته شد و نشریاتی مثل کاوه و ایرانشهر در تعریف جدید از هویت ایرانی آن را تداوم بخشیدند.

به نظر آقای پیوندی این تعریفها بیش از آنکه شکل نژادپرستانه به خود بگیرد به جدا بودن و متمایز بودن ایران و بهخصوص انتقاد از اسلام پا فشاری می‌کردند.

مهرداد درویش‌پور اما می‌گوید که برخورد با اعراب به دلیل پیشینه تحقیری است که حمله اعراب به ایران وارد کرده است و نمونه این‌گونه برخوردها را می‌توان بین یونانی‌ها و ترکها هم دید. اما به عقیده او: «وقتی به کسی در فرودگاه جده تعرض میشود و بعد مردم شعار «مرگ بر عرب» سر میدهند، یعنی تعمیم رفتارهای نادرست آن دیگری به کل مردم یک کشور و خود این جلوه دیگر و نشانهای از نژادپرستیست.»

آقای درویش‌پور البته تاکید می‌کند که در مورد اعراب یک دوگانگی وجود دارد. او معتقد است رفتار برخی ایرانیان در مقابل اعراب هم ناشی از شکست تاریخی از آنهاست و هم نشانه‌ای از عظمت‌طلبی ایرانی و از آنجا که عظمت‌طلبی ناسیونالیستی خود یکی از جنبه‌های نژادپرستی است، به نظر درویش‌پور رفتار ایرانیان با اعراب از این منظر می‌تواند نژادپرستانه باشد.

در مورد شکست تاریخی ایرانیان از اعراب هم این استاد دانشگاه اصطلاح «نژادپرستی وارونه» را به کار برده و می‌گوید: «واقعیت تاریخی شکست ایرانیها از اعراب زمینه‌ساز شکلگیری یک حس تحقیر بوده، بنابراین رفتار ایرانیان با اعراب از این منظر می‌تواند نوعی نژادپرستی وارونه یا تحقیر وارونه باشد بهخاطر این‌که خودش قبلا مورد ضربه قرار گرفته، شکست خورده و سعی میکند مغبونیت تاریخیاش را این‌گونه جبران کند.»

آیا ناسیونالیسم افراطی در رفتار ایرانیان مشاهده می‌شود؟

برخی از کسانی که معتقدند اطلاق واژه "نژادپرستی" به رفتار ایرانیان در مقابل اعراب و افغانها چندان علمی و دقیق نیست، می‌گویند این گونه رفتارها بیشتر نوعی ناسیونالیسم افراطی است تا نژاد پرستی.

سعید پیوندی در پاسخ به این گروه می‌گوید: «وقتی ما رفتار ایرانیها را با برخی از خارجیهای دیگر (یعنی خارجیهایی که ما آنها را بیشتر قبول میکنیم مثل یک اروپایی یا آمریکایی یا استرالیایی) مقایسه میکنیم، آنجا می‌بینیم که همین رفتار "افراطی ناسیونالیستی" را در مقابل اروپاییها یا آمریکاییها شاید خیلی کمتر داشته باشند. برای همین هم ریشه‌اش فقط نمیتواند ناسیونالیسم افراطی باشد.»

این استاد دانشگاه ریشه این رفتارها را در نبود فرهنگ برخورد با بیگانه میداند و معتقد است ذهنیت ایرانی درباره برخورد با غیرخودی و بیگانه به اندازه کافی رشد نکرده و آموزش ندیده است و در نتیجه احترام گذاشتن به دیگری را یاد نگرفته و نمیتواند متفاوت بودن را بهجای بیگانهبودن، دشمنبودن و متمایزبودن بگیرد.

آقای پیوندی می‌گوید: «همین مورد افغانها را اگر در نظر بگیرید، چقدر از روشنفکران، روزنامهنگاران و رسانه‌های حتی مستقل ما به میدان آمدند برای این‌که با این رفتار برخورد نکنند. در حالی که همین اتفاق اگر در فرانسه یا در انگلیس یا در آلمان بیفتد، بدون تردید بخش مهمی از روشنفکران و رسانه‌ها و افکار عمومی و حتی شخصیت‌های بزرگ و مهم و مرجع فرهنگ سیاسی به میدان می‌آیند، برای اینکه با افکار عمومی صحبت کنند و بگویند که چرا این رفتار نادرست است. این کار در ایران انجام نمیشود. بنا بر این مصداق‌ها میشدند گاهی شکل افراطی به خود بگیرد. ولی باید با دقت به این پدیده برخورد کرد و به آسانی به آن عنوان نژادپرستی را اطلاق نکرد.»

مهرداد درویش‌پور نیز بر این نکته تاکید دارد و معتقد است زمینه‌های مقابله با تبعیض نژادی و نیز آگاهی نسبت به تبعیض نژادی در ایران وجود ندارد، وی اما قائل به وجود ناسیونالیسم افراطی در میان برخی از ایرانیان است.

او می‌گوید: «امروز ناسیونالیسم عظمت‌طلب رشد پیدا کرده از جمله به‌عنوان یک واکنش در برابر اسلامگرایی سیاسی یا حکومت اسلامی. این تشدید حس ناسیونالیستی، زمینه‌های رشد نژادپرستی را تشدید میکند.

فراموش نکنیم در همه جای دنیا یکی از منابع تغذیه نژادپرستی همین ناسیونالیسمهای عظمتطلب و افراطی بوده که امروز در جامعه ایرانی بهر حال در حال رشد است، گیریم که بهعنوان واکنش در برابر حکومت اسلامی».

از دید آقای درویش‌پور، برخورد برخی از ایرانیان با گروه‌های قومی داخل ایران نیز خود شاهی بر وجود همین ناسیونالیسم افراطی است. به اعتقاد او ناسیونالیسم افراطی ایرانی با نوعی تبعیض قومی در جامعه ایران همراه است که با شعار "یک ملت، یک فرهنگ" جامعه چند فرهنگی ایران را به رسمیت نمیشناسد. این جامعه‌شناس تاکید می‌کند که به رسمیت نشناختن حقوق اقلیتهای قومی بخشی از گفتمان نژادپرستی نوین است.

این‌که رفتار برخی ایرانیان با افغان‌ها و اعراب و برخی موارد ترک‌ها نشانه‌ای از نژادپرست بودن ایرانی‌هاست یا نه، محل اختلاف است، اما آنچه همه کارشناسان بر آن اتفاق نظر دارند، لزوم تغییر این رفتار و این نگاه است؛ خواه نامش نژادپرستی باشد خواه ناسیونالیسم و یا غریبه‌ستیزی.

[گفتگو را بشنوید](#)